

مبانی و روش تفسیر رضوی

مهدی ایزدی*

چکیده

از روایت‌های تفسیری اهل بیت از جمله روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) چنین برمی‌آید که آن بزرگواران در صدد تعلیم مبانی و روش صحیح تفسیر قرآن کریم به پیروان خود بودند، تا در زمان غیبت نیز بتوانند با بهره‌گیری از این مبانی و روش صحیح تفسیری از قرآن کریم بهره برده، راه هدایت را از آن در هر زمان و شرایطی بیابند. از واکسای روایت‌های تفسیری مأثور از امام رضا^(ع) چنین برمی‌آید که مبانی تفسیری عبارت‌اند از: تحریف‌ناپذیری، اعجاز، جاودانگی، هدایتگری قرآن کریم و علم قرائت. روش‌های تفسیری که از این روایت‌ها به دست می‌آید عبارت‌اند از: تفسیر آیه با استناد به آیه نظیر، تفسیر آیه با استناد به روایت‌های تفسیری، تفسیر آیه با تبیین واژگان غریب، تفسیر آیه از طریق سبب نزول، تفسیر آیه با اظهار قیود مقدر، تفسیر آیه با تعیین مخاطب، تفسیر با روش استنطاق القرآن، تفسیر آیه به روش بیان مصادیق، تفسیر آیه به روش بیان علل گزاره‌ها، تفسیر آیه به روش هم‌نشینی، تفصیل قصص القرآن، تأویل آیه‌های متشابه و جری و تطبیق.

واژگان کلیدی

مبانی تفسیر رضوی، روش تفسیر رضوی، تفسیر اهل بیت، امام رضا^(ع)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۲۶

dr.mahdi.izadi@gmail.com

*. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق^(ع)

❖ مقدمه

سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که برای هدایت انسان‌ها (بقره / ۱۸۵) از سوی خداوند حکیم نازل شده است. به رغم نور بودن (تغابن / ۸) و بیانگری همه عوامل سعادت بشریت (نحل / ۸۹) به شهادت قرآن، آیه‌هایش نیاز به مبین دارد. رسول اکرم (ص) در آیات قرآن به‌عنوان مبین این کتاب آسمانی معرفی شده است (نحل / ۴۴). اهل بیت آن حضرت که وارثان علم نبویند پس از رحلت آن بزرگوار، این جریان را ادامه دادند. روایت‌های تفسیری مأثور از اهل بیت شاهد گویای این ادعاست. اما مسئله اینجاست که مجموع روایت‌های تفسیری موجود، دربر گیرنده کلیه آیه‌های قرآن کریم نیست. از طرف دیگر همه این روایت‌ها از حجیت و اعتبار کافی برخوردار نیستند. از آنجا که اهل بیت به وظیفه خطیر تبیین کتاب قیام کرده‌اند، نتیجه این می‌شود که آن بزرگواران در خلال روایت‌های تفسیری خود، مبانی و روش صحیح تفسیر را به پیروان خود تعلیم داده‌اند تا با الگوگیری از روایت‌های تفسیری ایشان پیروانشان بتوانند سایر آیه‌ها که تفسیر نشده را نیز تفسیر کنند و حتی با توجه به اقتضاء زمان خود از آیه‌های تفسیر شده نیز معارف جدید استنباط نمایند. در این صورت حتی با غیبت امام نیز راه برای بهره‌گیری از آیه‌های قرآن کریم هموار خواهد بود.

این مقدمه ضرورت واکاوی روایت‌های تفسیری یکایک امامان معصوم را به‌منظور کشف مبانی و روش صحیح از آن روایت‌ها، روشن می‌سازد. پاسخ به دو پرسش مهم زیر یعنی: ۱. مبانی تفسیر قرآن کریم از منظر روایت‌های تفسیری مأثور از امام رضا (ع) چیست؟ ۲. از روایت‌های تفسیری منقول از امام رضا (ع) چه روش یا روش‌های تفسیری قابل برداشت است؟ راه را برای رسیدن به الگویی جامع برای تفسیر قرآن مبتنی بر آموزه‌های اهل بیت هموار می‌سازد.

دوران امامت امام رضا (ع) که مقتضی مناظره‌های مهم علمی آن حضرت با ارباب ادیان و مذاهب بود و نیز مسائلی که شخص مأمون از آن حضرت می‌پرسید و آن حضرت به استناد آیه‌های قرآن پاسخ می‌فرمود، بر اهمیت پاسخگویی به دو پرسش فوق می‌افزاید.

مبانی تفسیر رضوی

مبانی تفسیر عبارت از پیش فرض‌هایی است که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن کریم مبادرت می‌ورزد. برخی از روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) ناظر به مبانی تفسیری است. مبانی تفسیری برآمده از روایت‌های تفسیری آن حضرت عبارت‌اند از: تحریف‌ناپذیری، اعجاز، جاودانگی، هدایتگری قرآن کریم و علم قرائت.

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن کریم

تحریف در لغت به معنای تغییر و تبدیل است (زیبیدی، ۱۳۰۶ ق، ج ۶: ۶۹) و از ماده «حرف» به معنای کنار و پایان مشتق شده است. تحریف در قرآن کریم به معنای تغییر واژه از معنای خود به معنای دیگر است. مانند: «یسمعون کلام الله ثم یحرفونه» (بقره / ۷۵) و نیز «یحرفون الکلم عن مواضعه» (نساء / ۴۶).

تحریف در اصطلاح به دو گونه معنوی و لفظی تقسیم می‌شود. هر کس قرآن کریم را تفسیر به رأی نماید در واقع مرتکب تحریف معنوی شده است. چنان‌که در حدیث مشهور نبوی نقل شده است: «من قال فی القرآن بغير علم فلیتوبوا مقعده من النار» (طبری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۵۴-۵۵) تحریف لفظی خود به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف. تبدیل واژه‌ای به واژه دیگر

مانند تبدیل «فاسعوا» به «فامشوا» در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله» (جمعه / ۹). این تحریف پیش از خلیفه سوم رواج داشته که با یکی کردن مصاحف در زمان وی از بین رفت (خویی، بی تا: ۲۱۶).

ب. کاهش و افزایش واژگان، آیه‌ها و سوره‌ها

کاهش و افزایش واژگان در متن آیه‌ها از مصادیق تحریف است مگر افزایش واژگان، خارج از نص و از باب زیادات تفسیری باشد که در این صورت مصداق تحریف نخواهد بود (ایزدی، ۱۳۸۷ ش: ۱۰). افزایش آیه‌ها و سوره‌ها اگرچه از مصادیق تحریف است لکن

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

چون اجماع مسلمانان بر عدم وقوع چنین تحریفی در قرآن کریم است (خویی، بی تا: ۲۱۸) از دایره معنای اصطلاحی تحریف خارج است. مصداق بارز تحریف که بیشتر مباحث در موضوع صیانت قرآن از تحریف را به خود اختصاص داده است، کاهش برخی آیه‌ها و سوره‌ها از مصحف شریف است.

صیانت قرآن از تحریف از مهم‌ترین مبانی مفسر در تفسیر قرآن کریم است. در بخشی از روایتی منقول از امام رضا^(ع) چنین آمده است:

... بل جعل دلیل البرهان و حجة علی کل انسان لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید؛ خداوند قرآن را دلیلی آشکار و حجتی بر همه انسان‌ها قرار داده است. کتابی که باطل نه از پیش روی و نه از پشت سر، بدان راه ندارد، کتابی نازل از سوی فرزانه‌ای ستوده است (حسینی بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۵).

از این روایت می‌توان صیانت قرآن کریم از تحریف را استنباط کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۹ ش: ۲۴).

۲. اعجاز قرآن کریم

از دیگر مبانی تفسیر، اعتقاد مفسر به اعجاز قرآن کریم است. اعجاز در لغت، وجدان عجز، ایجاد عجز یا فوت و از دست دادن است و در اصطلاح انجام کار خارق‌العاده از سوی مدعی منصبی از مناصب الهی است که تصدیق‌کننده ادعای او و همراه با تحدی است (خویی، بی تا: ۳۳).

همواره دلایل اعجاز قرآن کریم در میان مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی محل بحث و گفتگو است. یکی از مشهورترین دلایل اعجاز قرآن کریم باور برخی از قرآن‌پژوهان نسبت به حروف مقطعه آن است. به این بیان که در واقع خداوند متعال با این حروف با منکران اعجاز قرآن تحدی کرده است که چون قرآن کریم از همین حروف بیست و نه گانه زبان عربی تشکیل یافته است اگر می‌توانید از این حروف کتابی مانند قرآن یا ۱۰ سوره یا دست‌کم یک سوره از آن را بیاورید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۷).

مبانی و روش تفسیر رضوی ❖ ۱۶۱

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

در روایتی منقول از امام رضا^(ع) در موضوع اعجاز قرآن از همین طریق استدلال گردیده است. «... خداوند متعال این قرآن را با همین حروفی که در میان همه عرب‌ها متداول بوده، نازل کرده است.» سپس فرمود: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون بمثله ولو کان بعضهم لبعض ظهیراً» (اسراء / ۸۸؛ صدوق، ۱۳۶۱ش: ۴۴). در تفسیر نمونه این استدلال امام رضا^(ع) مربوط به اثبات اعجاز قرآن از طریق حروف مقطعه به بیانی که گذشت، دانسته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۶۴).

۳. جاودانگی قرآن کریم

از دیگر مبانی تفسیر، اعتقاد مفسر به جاودانگی قرآن کریم است. به این معنی که هدایتگری قرآن کریم مربوط به همه انسان‌ها و جوامع بشری در کلیه ادوار تاریخی است، به طوری که هرگز کهنه و ناکارآمد نخواهد شد. در روایتی منقول از امام رضا^(ع)، آن بزرگوار به واسطه پدر گرامیش از امام صادق^(ع) نقل کرد که فردی از آن حضرت پرسید: «چگونه است که هرچه قرآن بیشتر خوانده می‌شود و در آیه‌هایش تدبر می‌گردد بر تازگی آن افزوده می‌شود؟»
حضرت فرمود:

لأن الله تبارک و تعالی لم یجعل له زمان و لا لئاس دون ناس فهو فی کل زمان جدید و عند کل قوم غضّ الی یوم القیامة؛ زیرا خداوند قرآن را برای زمان و مردمان خاصی نازل نفرموده، لذا قرآن در هر زمان جدید و برای هر قومی تا روز قیامت تازه است (صدوق، بی تا: ۸۷).

در بخشی از روایت دیگر فرمود: «... لا یخلق من الازمنة و لا یغت علی الأسنه لانه لم یجعل لزمان دون زمان ...؛ قرآن با گذر زمان کهنه نمی‌شود زبان‌ها ترکش نمی‌کنند، چراکه برای زمان خاصی قرار داده نشده است» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۶).

۴. هدایتگری قرآن کریم

در آیه‌های قابل توجهی به هدایتگری قرآن کریم تصریح شده است از جمله: «شهر

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس؛ رمضان ماهی است که قرآن در آن برای هدایت مردمان نازل شده است» (بقره/ ۱۸۵). «قل نزله روح القدس من ربک بالحق لیثبت الذین آمنوا و هدی و بشری للمسلمین؛ بگو قرآن را روح القدس به حق از جانب پروردگارت نازل ساخت تا موجب تقویت مؤمنان و هدایت و بشارت برای مسلمانان باشد» (نحل/ ۱۰۲).

ریان بن صلت از امام رضا^(ع) درباره قرآن می پرسد. حضرت در مقام پاسخ می فرماید:

«کلام الله لاتتجاوزوه و لاتتطبوا الهدی فی غیره فضلوا؛ قرآن کلام خداست، از آن تجاوز نکنید و هدایت را در غیر آن نطلبید که گمراه می شود» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۲۲۴).

۵. علم قرائت

قرائت در لغت به معنای خواندن و تلفظ واژگان و در اصطلاح عبارت است از: تلفظ کردن الفاظ قرآن کریم بر همان وجهی که رسول خدا^(ص) تلفظ نموده است (فضلی، بی تا: ۸۱). بر این اساس علم قرائت دانشی است که با قواعد و ضوابط خود، در صدد است قرائت نبوی مذکور را در تمام آیه‌ها از طریق نقل صحیح و متقن شناسایی نماید (بابایی و همکاران، ۱۳۷۹ش: ۳۵۸).

به اعتراف بیشتر قرآن پژوهان، این علم از جمله پیش نیازهای ضروری در تفسیر است (عک، ۱۴۱۴ق: ۴۲۹-۴۲۸). مبنای مفسر در تفسیر قرآن کریم موافقت قرائت‌های منقول با نص مکتوب مصحف شریف و قرائت‌های مشهور در زمان ائمه باید باشد. چنان‌که در روایت‌های منقول از اهل بیت وارد شده است: «اقرأ كما يقرأ الناس؛ یعنی قرآن را همان‌گونه که مردم می خوانند» (حر عاملی، بی تا، ج ۳: ۸۲۱). بخوان، «اقرأ كما علمتم؛ همان‌گونه که قرآن به شما یاد داده شده است، بخوانید» (همان).

این مبنا در روایت‌های مأثور از امام رضا^(ع) نیز به چشم می خورد، چنان‌که عزیزبن مهتدی از آن حضرت سؤال کرد: «سوره توحید را چگونه بخوانم؟» فرمود: «كما يقرأها الناس...» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۸۰۱). روشن است که قرائت شاذ و موضوع از این محدوده

خارج است و نباید مبنای تفسیر قرار گیرد (خویی، بی تا: ۱۶۷). افزون بر این، قرائتی که بیانگر معنایی غیر از معنای مراد خداوند است، بر اساس روایت‌های مأثور از امام رضا^(ع)، باید کنار گذاشته شود. در این خصوص روایتی از آن حضرت نقل شده است که آن حضرت به واسطه پدر بزرگوارش از امام صادق^(ع) نقل کرد که آن بزرگوار درباره آیه:

«قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عملٌ غیرُ صالحٍ...» (هود / ۴۶) از امام کاظم^(ع) سؤال فرمود که مردم، این آیه را درباره پسر نوح چگونه می‌خوانند؟ گفت: مردم این آیه را به دو وجه قرائت می‌کنند: «انه عملٌ غیرُ صالحٍ» و «انه عملٌ غیرُ صالحٍ» حضرت فرمود: دروغ گفتند او پسر نوح بود. اما خداوند چون در دین با پدرش نوح مخالفت کرد، او را از پدر نفی کرد.

علامه مجلسی در شرح این حدیث پس از نقل دو قرائت فوق از قاریان مشهور می‌نویسد: ظاهراً در این خبر به هر دو قرائت اشاره شده است اما برخی از مفسران قرائت را اینگونه تفسیر کرده‌اند که وی معمولی غیر صالح یعنی ولدالزنا است. امام، یا قرائتی که موهم چنین معنایی است را رد کرده‌اند یا تفسیر نادرست ایشان را. ممکن است یکی از این دو قرائت: «انه عملٌ غیرُ صالحٍ» با اضافه واژه «عمل» به «غیر» باشد. اگرچه در قرائت‌های قرآنی این وجه نقل نشده است. امام آن را رد کرده‌اند چون فاسد و ساختگی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۳۲۱ - ۳۲۰).

روش تفسیر رضوی

روش تفسیر عبارت از قواعد و منابعی است که بر اساس آن قواعد و با استفاده از آن منابع مفسر به تفسیر قرآن کریم مبادرت می‌ورزد. گام‌ها و مراحل را که مفسر می‌پیماید تا به کشف مراد خداوند از آیه‌ها قرآن بینجامد نیز در روش تفسیری وی تأثیر بسزایی دارد (بابایی و همکاران، ۱۳۷۹ش: ۱۶ - ۱۵).

۱. تفسیر آیه با استناد به آیه نظیر

قرآن کریم کتابی است مشتمل بر ایجاز و اطناب، اجمال و تبیین، اطلاق و تقیید و عموم

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

و خصوصاً به تعبیری می‌توان گفت که اولین مرحله تفسیر قرآن کریم از خود نصوص قرآنی (گلدزیهر، ۱۳۷۴ق: ۴) و از رد آیه‌های متشابه به محکم و حمل مجمل بر مبین، عام بر خاص و مطلق بر مقید آغاز شده است (ذهبی، ۱۳۹۶ق، ج ۱: ۴۱). برخی مفسران، این روش را بهترین و کارآمدترین روش تفسیری قرآن معرفی کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱: ۶۱). به‌ویژه از این جهت که از رهگذر آن، مفسر از تفسیر به رأی، مصون و ایمن می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۱).

از روایت‌های اهل بیت نیز رجوع به آیه‌های نظیر به‌منظور تفسیر یک آیه، استفاده می‌شود. چنان‌که از امیرمؤمنان^(ع) روایت شده است که فرمود: «یطلق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (سید رضی، بی‌تا: ۱۹۲).

تفسیر آیه با استناد به آیه نظیر در روایت‌ها تفسیری امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود از جمله، آن حضرت به‌منظور اثبات این موضوع که مراد از «اهل الذکر» در آیه «و ما ارسلنا قبلك الا رجالا نوحی الیهم فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (انبیا / ۷) اهل بیت پیامبر اکرم^(ص) است به آیه «... قد انزل الله الیکم ذکرا رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات...» (طلاق / ۱۰ و ۱۱) استناد فرموده است (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۹).

توضیح آنکه در آیه‌های ۱۰ و ۱۱ از سوره مبارکه طلاق که در آنها واژه «رسول» بدل یا عطف بیان برای ذکر است، رسول به ذکر تفسیر شده است، لذا می‌تواند آیه‌های نظیر برای تفسیر آیه هفت از سوره مبارکه انبیا محسوب شود. طبق روایت یادشده از امام رضا^(ع) با استناد به آیه‌های ۱۰ و ۱۱ از سوره مبارکه طلاق، اهل الذکر در آیه هفت از سوره مبارکه انبیا را تفسیر و اثبات فرموده است که مراد از اهل الذکر در این آیه اهل بیت هستند.

در روایت دیگری امام رضا^(ع) آیه شریفه «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین...» (نساء / ۱۱) را با استناد به آیه نظیر آن یعنی: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم...» (نساء / ۳۴) تفسیر فرموده است (قطب‌راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۵۹).

۲. تفسیر آیه با استناد به روایت‌های تفسیری

پس از آیه‌های نظیر، مهم‌ترین منبع تفسیر، روایت‌های تفسیری است. تفسیر آیه‌ها از سوی امام رضا^(ع) از منظر مفسران امامیه، روایت تفسیری است و مفسر امامی با استناد به تفسیر آن حضرت به تفسیر به روش قرآن به روایت مبادرت ورزیده است. لکن گاه در میان روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) نیز استناد به روایت‌های تفسیر مأثور از پدران بزرگوارشان به چشم می‌خورد. چنان‌که آن بزرگوار در تفسیر آیه «فتبسّم ضاحاً من قولها و قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتك التي أنعمت علی و علی والدتی ...» (نمل / ۱۹) روایتی را به واسطه امام کاظم^(ع) از امام صادق^(ع) روایت کرده‌اند (صدوق، بی تا، ج ۱: ۷۲؛ جزایری، ۱۴۰۴ق: ۳۶۸) و نیز روایت دیگری را با همین اسناد در تفسیر آیه «ثم لتستلن يومئذ عن النعيم» (تکواثر / ۸) نقل فرمودند (صدوق، بی تا، ج ۲: ۱۲۸). روایتی را نیز از طریق پدر و جد بزرگوار خود از امام باقر^(ع) در تفسیر آیه «فلما قضينا عليه الموت ما دلهم علی موته الا دابة الارض تأکل منسائه ...» (سبأ / ۱۴) نقل فرمود (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۸).^۱

۳. تفسیر آیه با تبیین واژگان غریب

برخی از دانشمندان علوم قرآن، از علم لغت ناظر به واژگان قرآن، به «غرائث القرآن» تعبیر کرده‌اند و در این خصوص دست به تألیف کتاب‌هایی زده‌اند. یکی از آنها کتاب معتبر و مشهور *المفردات فی غریب القرآن* راغب اصفهانی است. مجاهد مفسر معروف از طبقه تابعین درباره ضرورت آگاهی مفسر از این علم گفته است: «فرد مؤمن به خدا و جهان آخرت، اگر عالم به لغت عرب نباشد، جایز نیست درباره کتاب خدا سخن بگوید» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۲۰۹). زرکشی در این باره می‌نویسد:

آگاهی از این فن برای مفسر امری ضروری است، در غیر صورت جایز نیست که به تفسیر کتاب خدا اقدام نماید. باید به‌طور کامل به لغت عرب آشنا باشد و آگاهی ناقص و یا اندک در تفسیر روا نیست (بی تا، ج ۱: ۳۹۶ و ۳۹۹).

۱. جهت آگاهی بیشتر نک: (مصلاهی پور و دیمه کارگراب، ۱۳۸۹ش: ۶۶).

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

یکی از موارد اهمیت این دانش در تفسیر قرآن آن است که گاه کشف مراد خداوند متعال از آیه منوط به فهم درست واژگان غریب آیه است. تبیین این موضوع در روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) به‌عنوان یکی از روش‌های تفسیر رضوی، نمایان است.

امام رضا^(ع) معنی «ختم» در آیه «ختم الله علی قل ...» (بقره / ۷) را «طبع» یعنی مهر کرد، دانسته‌اند و به آیه «... بل طبع الله علیها بکفرهم ...» (نساء / ۱۵۵) استناد فرموده‌اند (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۳). همچنین در روایتی مراد از «رهبانیه» در آیه «... و رهبانیه ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله ...» (حدید/ ۲۷) را «نماز شب» دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲۰).

بیان وجه تسمیه برخی از مفردات قرآنی از دیگر مصداق این روش است چنان‌که در روایت‌های مأثور از امام رضا^(ع) در این خصوص مشاهده می‌شود که آن حضرت به بیان وجه تسمیه «اولوالعزم» در آیه ۳۵ سوره احقاف (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۲) «امی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۶: ۱۳۳). و «ابلیس» (صدوق، ۱۳۶۱: ۱۳۸) پرداخته‌اند.

۴. تفسیر آیه از طریق سبب نزول

مراد از سبب نزول حادثه‌ای است که در زمان پیامبر اکرم^(ص) اتفاق افتاده یا مطلبی است که از آن حضرت سؤال شده، سپس آیه یا آیه‌هایی جهت تبیین حکم آن واقع یا جواب آن پرسش نازل شده است (ایزدی، ۱۳۷۶: ۱۱۷). تردیدی نیست که آگاهی از سبب نزول آیه نقشی اساسی در تفسیر ایفا می‌کند و معرفت آن، روشی خاصی به مفهوم آیه‌ها می‌بخشد زیرا علم، به سبب زمینه و مقدمه علم به مسبب است (قاسمی، ۱۳۹۸: ج ۱: ۲۲). هر چند آیه‌های قرآن اغلب جنبه کلی دارد و برای زمان و مکان خاصی نیست، دانش اسباب و شأن نزول آیه‌ها، مفسر را در جهت فهم بهتر مطالب قرآن یاری می‌دهد (حجتی و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۱ - ۱۲).

به‌عنوان نمونه، خداوند متعال می‌فرماید:

ولو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعاً أفأنت تکره الناس حتی یکنسوا

مؤمنین؛ و اگر پروردگارت می‌خواست هر آینه همه انسان‌های روی زمین ایمان می‌آوردند. آیا تو مردم را اجبار می‌کنی تا (ایمان آورده) مؤمن شوند؟! (یونس / ۹۹).

از ظاهر این آیه ممکن است چنین توهم شود که سیره حضرت رسول (ص) توسل به زور برای ایمان آوردن مردم بود. برای دفع چنین توهمی، امام رضا^(ع) به سبب نزول آیه استناد می‌فرماید و روایتی را از طریق پدران بزرگوارشان از امیر مؤمنان علی^(ع) نقل می‌فرماید که برخی از مسلمانان به پیامبر اکرم (ص) پیشنهاد کردند که به منظور افزایش تعداد یاران و پیروزی بر دشمنان، آن حضرت مردم را با اکراه و جبر به اسلام آوردن وادار نماید، لکن آن حضرت این پیشنهاد را رد کرد. در این هنگام آیه مورد بحث بر آن بزرگوار نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۴۱۳).

این روش در تفسیر آیه‌های سوم تا ششم از سوره مبارکه لیل که آن حضرت با استناد به سبب نزول به تفسیر آیه‌ها مبادرت نموده‌اند، نیز مشاهده می‌شود (حمیری، بی تا: ۱۵۶).

۵. تفسیر آیه با اظهار قیود مقدر

تفسیر آیه با اظهار قیود مقدر از جمله روش‌های دیگری است که در روایت‌ها تفسیری امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود. این روش در نمونه‌های ذیل مشهود است: در آیه شریفه «قال فعلتها اذاً و أنا من الضالین» (شعراء / ۲۰)، ظاهراً حضرت موسی^(ع) خود اقرار می‌نماید که از گمراهان بوده است. چنین اقرار ناقذی با عصمت انبیا ناسازگار است. در روایتی از امام رضا^(ع) نقل شده است که آن حضرت در مقام دفع این شبهه، آیه را این‌چنین تفسیر فرموده است: ... «و أنا من الضالین (عن الطرایق بوقوعی الی مدنیة من مدائنک)» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۸). یعنی این آیه دلالت بر گمراهی موسی^(ع) از طریق بندگی خداوند ندارد بلکه راه گم کرده و به‌طور تصادفی به یکی از محله‌های شهر وارد شد جایی که ماجرای قتل قبیطی رخ می‌دهد. فردی از امام رضا^(ع) درباره معنای آیه شریفه «فمن یردالله أن یردیه یشرح صدره للاسلام و من یرد أن یردیه یجعل صدره ضیقاً حرجاً کأنما یصعد فی السماء ...» (انعام / ۱۲۵) سؤال می‌کند. پرسش

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

وی پیرامون توهم معنای جبر از این آیه بود. حضرت در مقام دفع این شبهه این گونه آیه را تفسیر می فرماید:

فمن یرد الله أن یهدیه (بایمانہ فی الدنیا الی جنته و دار کرامته فی الآخرة) یشرح صدره للاسلام (للتسلیم لله و الثقة به و السکون الی ما وعده من ثوابه حتی یطمئن الیه) و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً (حتی یشک فی کفره و یضطرب من اعتقاد قلبه حتی یصیر) کأنما یصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون (صدوق، بی تا، ج ۱: ۱۳۱).

بنابر اظهار چنین قیود مقدری هدایت الهی، پاداش ایمان و گمراه ساختن خداوند، کیفر کفر و گناهان وی در زندگی دنیا بوده است.

از مصادیق این روش، تفسیر آیه با اظهار مرجع ضمیر است. گاه فهم نادرست از آیه ناشی از بازگرداندن ضمیر به مرجعی نادرست است. به عنوان نمونه در آیه شریفه «حتی اذا استیأس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا جاءهم نصرنا فنجی من نشاء و لایرد بأسنا عن القوم المجرمین» (یوسف / ۱۱)، مأمون با چنین توهمی که ضمیر «هم» در «أنهم» به «الرسل» بازمی گردد این شبهه را خدمت حضرت رضا^(ع) طرح می کند که اگر انبیاء گمان کنند که به ایشان وعده دروغ داده شده است پس چگونه شما ادعا می کنید که ایشان معصوم هستند؟! امام رضا^(ع) با اظهار قیدی مقدر و بیان مرجع دو ضمیر به این شبهه پاسخ می دهند. تقدیر آیه در واقع «حتی اذا استیأس الرسل (من قومهم)» بوده و ضمیر او در «ظنوا» و «هم» در «أنهم» واژه «قوم» مقدر است. بدین ترتیب معنی آیه چنین می شود: «تا آنکه پیامبران از ایمان آوردن قومشان مأیوس شدند و قومشان گمان کردند که از سوی پیامبر به آنان وعده دروغ داده شده است» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۷۹).

۶. تفسیر آیه با تعیین مخاطب

یکی از عوامل فهم نادرست آیه های قرآن کریم، عدم درک درست از مخاطب آیه هاست. از جمله آیه هایی که به همین علت شبهه عدم عصمت انبیا در آنها مطرح شده، عبارت است

از: «عفا الله عنك لم اذنت لهم ...» (توبه / ۴۳) «ولولا أن ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئاً قليلاً» (اسرار / ۷۴)، «وقد أوحى اليك و الى الذين من قبلك لئن اشركت ليحبطن عملك و لتكونن من الخاسرين» (زمر / ۶۵).

در روایتی از امام صادق^(ع) نقل شده است که فرمود: «نزل القرآن بلغة اياك أعنى واسمعى يا جارة؛ یعنی قرآن بر اساس این ضرب المثل عربی نازل شده است، ای خیمه تو را قصد می‌کنم اما ای دختر همسایه (اش) تو سخن مرا بشنو» (کلینی رازی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۶۳۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۰). این ضرب المثل شبیه ضرب المثل فارسی «به در بگو دیوار بشنو» است. امام رضا^(ع) آیه‌های فوق را با توجه به روایت فوق تفسیر فرموده و با ارائه تفسیری با روش تعیین مخاطب، شبهه عدم عصمت انبیا را دفع فرموده است (صدوق، بی تا، ج ۱: ۲۰۲؛ حسینی بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۷۷۸؛ جزایری، ۱۴۰۴ق: ۱۸).

با استفاده از همین روش، شیخ طوسی در تفسیر آیه‌های فوق می‌نویسد: «براین اساس خطاب متوجه رسول اکرم^(ص) بوده اما مراد از خطاب، امت آن حضرت است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۸).

۷. تفسیر با روش استنطاق القرآن

ارائه مسائل جدید به قرآن کریم و دریافت پاسخ که در روایت‌ها از آن به استنطاق القرآن یعنی به نطق در آوردن قرآن، تعبیر شده از دیگر روش‌هایی است که در تفسیر رضوی قابل مشاهده است. به عنوان نمونه در مجلس امام رضا^(ع) هنگامی که بحث از اعتقاد معتزله مبنی بر اینکه خداوند گناهان کبیره را نمی‌آمرزد، مطرح شد، آن حضرت با نقل روایتی از جد بزرگوارشان امام صادق^(ع) فرمود: قرآن بر خلاف اعتقاد معتزله نازل شده است خداوند متعال می‌فرماید: «... و إن ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم ...» (رعد / ۶؛ صدوق: ۱۳۹۸ق: ۴۰۹). در این روایت اعتقاد معتزله که هنگام نزول قرآن وجود نداشته و در زمان امام رضا^(ع) مسئله جدیدی محسوب می‌شده، توسط آن حضرت به قرآن کریم عرضه می‌شود و با استنطاق

آیه‌ها، افزون بر روشن شدن پاسخ مسئله، معنای آیه مورد استنتاج و استناد، بهتر فهمیده می‌شود.

۸. تفسیر آیه به روش بیان مصادیق

امام رضا^(ع) بر اساس روایت‌های مأثور تفسیری از آن حضرت، گاه با بر شمردن مصادیق آیه به تفسیر آن مبادرت ورزیده‌اند. به‌عنوان نمونه در تفسیر آیه «إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تَهْتُونَ عَنْهُ نَكْفَرُ عَنْكُمْ سِئَاتِكُمْ؛ یعنی اگر از گناهان بزرگ اجتناب ورزید (گناهان و) بدی‌های شما را می‌بخشیم» (نساء/ ۳۱). مصادیق گناهان کبیره را بیان می‌فرماید که از جمله آنها عبارت است از: پرستش بت‌ها، آشامیدن شراب، قتل نفس، آزدن والدین، تهمت به زنان پاک‌دامن، گریختن از جهاد با دشمن و خوردن مال ایتام (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۳۸) و نیز آن حضرت در تفسیر آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهَ قرضاً حسناً فيضاعفه له و له اجر كريم؛ چه کسی است که به خدا قرضی نیکو دهد تا پاداشش را چند برابر کرده و پاداشی نیکو برای وی باشد» (حدید/ ۱۱). می‌فرماید: «صلة الامام في دولة الفسقة؛ یعنی از مصادیق این قرض نیکو ایجاد پیوند با امام در دولت فاسقان است» (کلینی‌رازی، ۱۳۸۸ق، ج ۸: ۳۰۲). طبق این روایت، پرداخت خمس به امام معصوم در دوران سلطه جائران، از مصادیق قرض نیکو به خدا قلمداد شده است. این معنی که از ظاهر آیه درک نمی‌شود، تفسیر آیه به روش ذکر مصداق است.

۹. تفسیر آیه به روش بیان علل گزاره‌ها

در برخی از روایت‌های امام رضا^(ع)، ذکر علل گزاره‌های قرآنی، به فهم آیه‌ها کمک شایانی نموده است. از امام رضا^(ع) سؤال شد، چرا فرعون به‌رغم ایمان در واپسین لحظات عمر خود که به فرموده قرآن کریم گفت: «... قال آمنت أنه لا اله الا الذي آمنت به بنو اسرائيل ...» (یونس/ ۹۰)، مستوجب عقوبت الهی و غرق شد؟ حضرت با استناد به دو آیه، ایمان آوردن فرعون را پس از رؤیت عذاب بی‌فایده دانسته است: «فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين فلم يك ينفعهم ايمانهم لما رأوا بأسنا ...» (غافر/ ۸۴ و ۸۵) و نیز «... يوم يأتي بعض

آیات ربک لاینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً ...» (انعام / ۱۵۸؛ صدوق، بی تا، ج ۱: ۵۹).^۱

۱۰. تفسیر آیه به روش همنشینی

تفسیر متن به روش همنشینی از رهاوردهای معنی‌شناسی است. این روش در برخی از روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) مشاهده شده که به یک نمونه اکتفا می‌شود. از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «نزدیک‌ترین حالتی که بنده به خدای متعال دارد، حالت سجده است.» چراکه خداوند می‌فرماید: ... «(واسجد و اقترب)» (علق / ۱۹؛ کلینی‌رازی، ۱۳۸۸ق، ج ۳: ۲۶۵). در واقع حضرت رضا^(ع) با توجه به هم‌نشینی شدن تقرب با سجده برای خداوند، این مفهوم والای معرفتی را از آیه فوق برداشت فرمود.

۱۱. تفصیل قصص القرآن

غرض خداوند متعال از حکایت سرگذشت امت‌های گذشته در قرآن کریم، عبرت‌آموزی است. چنان‌که فرمود: «لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الالباب ما کان حدیثاً یفتی ...؛ به تحقیق در داستان یوسف و برادرانش برای خردمندان عبرتی است» (یوسف/۱۱۱). این حکایت، حکایتی خلاف‌واقع نیست ... از این آیه دو عنصر حقیقت و عبرت‌آموزی در داستان‌های قرآن فهمیده می‌شود. از این رو قرآن کریم مانند کتاب‌های تاریخ، بنا ندارد جزئیات وقایع تاریخی را گزارش نماید و تنها به بخش‌هایی از وقایع که موجب پند و عبرت است، اکتفا می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۲۹۱).

پرداختن به جزئیاتی که در قرآن کریم نیامده، از باب تفصیل قصص القرآن، گاه موجب فهم بهتر آیه‌ها می‌شود. چنان‌که در داستان‌های موسی و خضر (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۸)، بلعم باعورا (اعراف / ۱۷۵؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۴۹) و به بردگی فروختن یوسف^(ع) توسط برادران (یوسف /

۱. برای مطالعه بیشتر نک: (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۴۱۲).

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

۲۰، قطب‌راوندی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۹) این روش در روایت‌های متأثر از آن حضرت مشاهده می‌شود.

۱۲. تأویل آیه‌های متشابه

واژه تأویل در هفت سوره قرآن مجید ۱۷ بار به کار رفته است. تأویل در لغت به معنی بازگرداندن شیء به مقصدی است که از آن اراده شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۳۶۲ش: ۳۱). لذا تأویل سخن بازگرداندن واژگان و مفاهیم آنها به مقاصدی است که از جانب گوینده اراده شده است (نک: مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱: ۱۹). در آیه «... وما يعلم تأویلہ الا الله والراسخون فی العلم ...» (آل عمران / ۷) ظاهراً ضمیر در «تأویل» به اسم موصول در صدر آیه یعنی «ما تشابه منه» بازمی‌گردد که مراد از آن، آیه و کلام است. به تناسب مورد، تأویل آن نیز از سنخ مفاهیم و کلام خواهد بود. لذا تأویل آیه متشابه بازگرداندن آن به مفاد واقعی و زدودن تشابه از ظاهر آیه خواهد بود (ایزدی، ۱۳۷۶ش: ۳۱).

امام صادق^(ع) فرمود: «نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تأویلہ؛ ما (اهل بیت) راسخان در علم هستیم و تأویل قرآن را می‌دانیم» (کلینی‌رازی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۱۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۰۳؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۴۲۱).

در روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) گاه به مواردی از تأویل برمی‌خوریم که آن حضرت به‌عنوان یکی از راسخان در علم قرآن، به تأویل آیه‌های متشابه پرداخته‌اند.

در آیه «وجاء ربک والملك صفا صفا» (فجر / ۲۲) فعل «جاء» به خداوند اسناد داده شده و توهم جسمانیت را در خداوند ایجاد می‌نماید. در روایتی از امام رضا^(ع) نقل شده است که آن حضرت واژه «امر» را پیش از «رب» به‌عنوان مضاف مقدر دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۶۱ش: ۱۳). با چنین تأویلی از آیه متشابه، توهم جسمانیت از خداوند دفع می‌گردد چراکه آمدن به فرمان خداوند تعلق می‌گیرد نه به ذات اقدس ربوبی. چنان‌که در آیه «کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» (مطففین / ۱۵) نیز آن حضرت واژه «ثواب» را به‌عنوان مضاف پیش از «رب» مقدر دانسته‌اند (همان).

۱۳. جری و تطبیق

جری، اصطلاحی است که از روایتی منقول از امام صادق^(ع) درباره قرآن کریم، اخذ شده است. در بخشی از این روایت چنین آمده است:

ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه ما مضی و منه مالم یجیء بعد، یجری کما تجری الشمس والقمر؛ یعنی برون قرآن، تنزیل و درونش، تأویل آن است. قسمتی از تأویل قرآن گذشته و بخشی هنوز نیامده است. قرآن مانند خورشید و ماه در حال جریان است (فتونی، بی تا: ۵ - ۴).

از این روایت از بطن قرآن، به تأویل قرآن یاد شده است.

در برخی از روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع)، آیه‌ها به روش جری، تأویل شده و با تطبیق مفهوم آیه بر مصداقی خفی، بطن آیه، آشکار شده است. به عنوان نمونه از امام رضا^(ع) درباره «جنب الله» در آیه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...» (زمر/ ۵۶) نقل شده است که فرمود: «مراد از جنب الله، امیرالمؤمنین^(ع) و اوصیای پس از اویند» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۶۲). همچنین درباره «الامانات» در آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ...» (نساء/ ۵۸) فرمود: «امانت، امامت و اهل امانت، امامان از آل محمدند» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۴۹).

چنان‌که در مبحث پیشینی بیان شد، اهل بیت به عنوان راسخان در علم قرآن، شایستگی تأویل قرآن را دارند. لذا نباید این روش، روشی عمومی برای مفسران تلقی شود.

نتیجه‌گیری

از روایت‌های تفسیری اهل بیت استفاده می‌شود که آن بزرگواران درصدد تعلیم مبانی و روش‌های صحیح تفسیر قرآن کریم به پیروان خود بودند. روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) نیز مشمول این قاعده کلی است. مبانی تفسیر قرآن کریم که از روایت‌های تفسیر امام رضا^(ع) به دست می‌آید عبارت‌اند از: تحریف‌ناپذیری، اعجاز، جاودانگی، هدایتگری قرآن کریم و علم قرائت.

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲

روش‌های تفسیری استنباط‌شده از روایت‌های تفسیری امام رضا^(ع) عبارت‌اند از: تفسیر آیه با استناد به آیه نظیر، تفسیر آیه با استناد به روایت‌های تفسیری، تفسیر آیه با تبیین واژگان غریب، تفسیر آیه از طریق سبب نزول، تفسیر آیه با اظهار قیود مقدر، تفسیر آیه با تعیین مخاطب، تفسیر آیه با روش استنطاق القرآن، تفسیر آیه به روش بیان مصادیق، تفسیر آیه به روش بیان علل گزاره‌ها، تفسیر آیه به روش همنشینی، تفصیل قصص القرآن، تأویل آیه‌های متشابه و جری و تطبیقی.

امام رضا^(ع) با بهره‌گیری از روش‌های فوق، الگوی جاودانه‌ای از چگونگی تفسیر قرآن به منظور پاسخگویی به شبهه در مناظره‌های فرقه‌ای، مذهبی و دینی ارائه فرمود.

منابع و مأخذ

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*. قم: علامه.
- ایزدی، کامران، (۱۳۷۶ ش). *شروط و آداب تفسیر و مفسر*. تهران: امیرکبیر.
- ایزدی، کامران، (پاییز ۱۳۸۷ش)، «*تقد و فهم روایات تحریف در الکافی*». مجله علمی - پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۱۷، تهران: انجمن علوم قرآن و حدیث.
- بابایی و همکاران، (۱۳۸۱ ش). *مکاتب تفسیری*. قم: سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بابایی و همکاران، (۱۳۷۹ ش). *روش شناسی تفسیر قرآن*. زیر نظر: محمود رجبی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- جزائری، سید نعمت الله، (۱۴۰۴ ق). *تصص الانبیاء*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹ ش). *تستیم*، قم: اسراء.
- حجتی، سید محمدباقر و عبدالکریم بی آزار شیرازی، (۱۳۶۳ ش). *تفسیر الکاشف*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳م). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. به کوشش: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حمیری، عبدالله، (بی تا). *قرب الإسناد*. تهران: کتابخانه نینوا.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نور الثقلین*. به کوشش: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا). *البیان فی تفسیر القرآن*. قم: المطبعة العملية.
- ذهبی، محمدحسین، (۱۳۹۶ ق). *التفسیر و المفسرون*. چاپ دوم، بی جا: دارالکتب الحدیثة.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۶۲ ش). *المفردات فی غریب القرآن*. به کوشش: محمد سید گیانی، چاپ دوم، تهران: المکتبة المرتضویة.
- زبیدی، محمد مرتضی، (۱۳۰۶ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. چاپ اول، مصر: المطبعة الخیریة.

❖ سال اول، شماره اول، شماره مسلسل ۱، بهار ۱۳۹۲
زرکشی، بدرالدین، (بی تا). *البرهان فی علوم القرآن*. به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة العصرية.

سیدرضی، محمدبن حسین، (بی تا). *نهج البلاغة*. به کوشش: صبحی صالح، قم: دارالهجرة.
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، (۱۴۱۴ ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار ابن کثیر.
صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه قمی)، (۱۳۶۱ ش). *معانی الاخبار*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه قمی)، (۱۳۹۸ ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه قمی)، (بی تا). *علل الشرايع*. قم: مكتبة الداوری.
صدوق، محمدبن علی (ابن بابویه قمی)، (بی تا). *عیون اخبار الرضا*. به کوشش: سیدمهدی حسینی لاجوردی، تهران: جهان.

صفار، محمدبن حسن، (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۵ ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*. به کوشش: صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر.

طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. به کوشش: احمد قصیر العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

عک، خالد عبدالرحمان، (۱۴۱۴ ق). *اصول التفسیر وقواعده*. بیروت: دارالنفائس.
عیاشی، محمدبن مسعود، (۱۳۸۰ ق). *تفسیر العیاشی*. به کوشش: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه.

فتونی، ابوالحسن بن محمدطاهر، (بی تا) *مرآة الانوار و مشکوة الاسرار*. به کوشش: محمود موسوی زرنندی، قم: اسماعیلیان.

مبانی و روش تفسیر رضوی ❖ ۱۷۷

فضلی، عبدالهادی، (بی تا). *مقدمه‌ای بر تاریخ قرائت قرآن کریم*. ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران: اسوه.

قاسمی، محمد جمال‌الدین، (۱۳۹۸ ق). *محاسن التأویل*. به کوشش: محمدفؤاد عبدالباقی، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.

قرآن کریم.

قطب‌راوندی، سعیدین هبة‌الله، (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق). *تفسیر التمی*. (منسوب به علی بن ابراهیم قمی)، قم: دارالکتاب.

کلینی‌رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۸۸ ق). *الکافی*. به کوشش: علی‌اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گلدزیهر، ایگناتس، (۱۳۷۴ ق). *مذاهب التفسیر الاسلامی*. ترجمه عبدالحلیم نجار، بغداد: مکتبه الخانجی و مکتبه المثنی.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: ترجمه و نشر کتاب.

مصلائی‌پور یزدی، عباس و محسن دیمه‌کارگراب، (بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش). «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام رضا (ع)». دو فصلنامه علمی - پژوهشی *حدیث پژوهشی*، شماره سوم، کاشان: دانشگاه کاشان.

مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.